

# نمونه بزرگمردی

## ویادگار جوانمردی

ویژه‌نامه شاطر رمضان

استاد محمدرضا شجریان

سپس استاد شجریان درباره مجلس سوگاری زنده یاد تاج می‌نویسد:

”در این مراسم که زبده هنرمندان و اهل ادب اصفهان در آن دوش به دوش اعضای خانواده تاج به عنوان صاحب عزا شرکت داشتند. آقای مراتب یکی از شاگردان تاج درباره سجایای اخلاقی و شیوه و وضع زندگی آن شادروان بیانات مؤثر و گیرایی ایراد کرد که موجب تحسین حضار واقع شد و همه هم‌صدا گفتند: «مراتب حق شاگردی تاج را به حق به جا آورد.»

بعد از اختتام مجلس آقای رمضان ابوطالبی (شاطر رمضان) که در آغاز این مقاله به نام ایشان اشاره شد مثل همیشه با اصرار، عده‌ای از یاران و دوستان خاص شادروان تاج را برای ناهار به منزل خود دعوت

قدیمی تاج که در بین اهل هنر و دوستان به «شاطر رمضان» معروف است) بودند.

فردای آن روز، یاران و دوستان تاج همه جمع شدند و چون به علت تشییع و تدفین شهدای گلگون‌کفن جنگ «بستان» امکان تغسیل در غسلخانه شهر نبود، تاج را دوستانش در حوض خانه مسکونی‌اش غسل دادند و کفن کردند! و جنازه‌اش بر دوش همین دوستان تا گورستان تخت پولاد حمل شد و در آنجا او را در میان اشک و افغان یاران و بستگان در تکیه «سیدالعراقین» و در جوار قبر خواهر و پدرش به خاک سپردند.

بعد از وفات تربت ما در زمین مجوی در سینه‌های مردم عارف مقام ماست“

استاد محمدرضا شجریان، هزارستان آواز ایران، در کتاب **خسرو خوبان** در دو موضع ضمن یادکرد استاد جلال تاج از شاطر رمضان به نیکی یاد می‌کند:

”همچنان که در آغاز کلام گفته آمد استاد جلال تاج پس از هشتاد و پنج سال زندگی سرانجام پس از چند ماهی افسردگی و آزرده‌گی به علت ناراحتی قلبی در خانه مسکونی و ساده‌اش در اصفهان (کوچه تاج، حدفاصل بین خیابان‌های اردیبهشت و آذر) چشم از جهان فرو بست. جز فرزندان و بستگان نزدیک استاد که لحظه به لحظه شاهد خاموشی تاج بودند، اولین کسانی که بر بالین او آمدند استاد حسن کسایی (استاد نی و یار دیرینه و قدیمی تاج) و آقای رمضان ابوطالبی (از دوستان بسیار صمیمی و



ردیف جلو: محمد رضا شجریان، حسن کسایی، دکتر محمد شفیعی، منوچهر قدسی، علی سیامکی، شاطر رمضان

پشت سر: بهمن بوستان، پرویز مشکاتیان، محمد کسایی، تقی سعیدی، جمال جناب و... در سوگ تاج آواز ایران



از چپ به راست: استاد شجریان، شاطر، بهمن بوستان

خطاب به تاج گفت:

سلک جمعیت ما بی تو گسسته ست زهم

ما که جمعییم چنینیم، تو تنها چونی؟

با این مناسب‌گویی دکتر شفیعی، باز همه شیون کردند و مجلس به آخر رسید. در پایان بی‌مناسبت نمی‌دانم سوگنامه‌ای را که استاد حسن کسایی یار دیرینه و رفیق جلیس شادروان تاج با تأثر از درگذشت او به مناسبت شب هفتش سروده است در اینجا نقل کنم:

شکست پشت من از غم چو یار جانی رفت

ز دست رفتم چون تاج اصفهانی رفت

نیارود چوتورا مادری به دهر دگر

نبوغ رفت و خداوند نغمه‌خوانی رفت

برفت آن فلکی صوت بی نظیر جهان

برفت آری خواننده جهانی رفت

چراغ شهر هنر اصفهان شده خاموش

به یک نسیم برآشفتم و ناگهانی رفت

کنار رود نشستیم به گریه رودکنان

که زنده‌رود نه هرگز بدین روانی رفت

نی کسایی زین پس غمین و محزون است

نوای نی همه در سوگ و نوحه‌خوانی رفت

استاد دکتر شفیعی، استاد دانشگاه اصفهان نیز در رثای تاج در منزل شاطر سخنانی مؤثر و گیرا بیان داشت و گفت: «شادروان تاج در آخرین نواری که از وی در دست دارم ضمن آوازی که با استاد کسایی در محفل دوستان خوانده است، یک دوبیتی را نقل کرده که در حقیقت شرح احوال خود او در سال‌های آخر عمرش است» و این دو بیت چنین است:

الکن شده‌ام کنون که گفتن باید

کرگشته‌ام اکنون که شنفتن باید

پیری و جوانی همه بیهوده گذشت

بیداردمی شدم که خفتن باید

در این مجلس که بسیار با روح برگزار شد، چند تن از جمله: آقای سعیدی بزرگ و فرزند ایشان آقای سعیدی کوچک و نیز آقای اصغر شاهزیدی با یاد تاج آوازهایی خواندند و در پایان استاد حسن کسایی ضمن بیان چند جمله درباره خصایص روحی و معنوی شادروان تاج، به عالم هنر و هنرمندان و هنردوستان تسلیت گفت و از آقای رمضان ابوطالبی (شاطر رمضان) سپاسگزاری کرد. در همین موقع استاد دکتر شفیعی به مناسبت حال حضار مجلس

کرد. شاطر رمضان مردی است که نمونه بزرگمردی و یادگار جوانمردان تاریخ گذشته در روزگار ماست. او بیش از پنجاه سال است با تاج دوستی نزدیک داشته و منزلش همیشه محفل انس هنرمندان بوده است. در خانه به ظاهر محقر ولی در باطن پراز صفا و معنویت این مرد جوانمرد سالهای سال است که دوستان هنرمند و هنرشناس گرد هم می‌آیند و این مرد، با صفا و خلوص و صمیمیت از آنها پذیرایی می‌کند. این بار هم همه در خانه شاطر رمضان جمع شدند، اما برای اولین بار دیگر در این جمعیت یکدل، تاج نبود. تاج نبود و همه در سوگ تاج می‌گریستند. استاد حسن کسایی نی می‌زد و گریه می‌کرد. همراه با ناله‌های نی کسایی همه شیون می‌کردند و شاطر رمضان بر سر و روی خود می‌کوفت. استاد قدسی، شاعر و سخن‌شناس اصفهانی کلامی مرکب از نظم و نثر در رثای تاج گفت و این دو بیت را از شهریار شاعر معاصر در سوگ تاج به وام گرفت که:

غسلش از اشک دهید و کفن از آه کنید

کاین عزیزی ست که با وی دل ما می‌میرد

به غم‌انگیزترین نغمه بنالی ای دل

که دل‌انگیزترین نغمه سرا می‌میرد